



گذری بر تاریخ ایجاد نیروی دریایی به مناسبت این روز در تقویم نادرشاه و ارتشی روی آب



گروه تاریخ و هویت

روایت است که حکومت افشاریه به رهبری نادر در نیمه اول قرن دوازدهم هجری در جریان جنگ و تعقیب شورشیان افغان، زمانی که دسته‌ای از آن‌ها به عمان گریختند و محمدخان بلوچ دیگر همدست آن‌ها هم به جزیره کیش در خلیج فارس پناه برد، نادر که عزم جدی در ریشه کنی فتنه داشت به فکر تشکیل نیروی دریایی برای تعقیب این دسته افتاد. وی با این اقدام می‌توانست به سایر مخالفان و دشمنان خود هم نشان دهد که در مقابل توان و اراده او هیچ نقطه و مکانی برایشان امنیت نخواهد داشت. او در ابتدا برای تحقق این مهم، «لطیف‌خان» نامی که یکی از نزدیکانش بود را به سمت دریابگی (دریاسالاری) منصوب و او را مأمور تشکیل ناوگان دریایی در جنوب کرد. ناگفته نماند که این مهم به‌راحتی حاصل نشد و تشکیل نیروی دریایی از سوی نادر با مشکلاتی همراه بود زیرا او ناچار بود برای تحقق رویایش کشتی بخرد یا آن را اجاره کند و یا کشتی بسازد. در مورد اول با توجه به گرانی اجاره یا خرید کشتی ونپذیرفتن قدرت‌های اقتصادی استعمارگر منطقه که افزایش قدرت ارتش ایران را به نفع خود نمی‌دیدند، این موضوع، امری تقریباً غیرممکن بود.

از دیگرسو نادرشاه به دلیل نداشتن نیروی ماهر، چوب مخصوص و دیگر امکانات نمی‌توانست کشتی بسازد و این موضوع نیز سبب ناکامی نادرشاه در گام اول خواسته‌هایش بود.

در نهایت اما با تلاش لطیف‌خان نامی که یکی از نزدیکانش بود، سرانجام توانست با پرداخت مبالغی گزاف و البته کمی چاشنی اجبار، اروپاییان را مجبور کند چند فروند کشتی در اختیار نیروی دریایی تازه تأسیس ایران قرار دهند.

همچنین نادر از امپراتور وقت روسیه خواست چند استاد کشتی‌ساز برایش بفرستند. او بعدها به هنگام ترک دهلی هم از محمدشاه گورکانی، حاکم تسلیم شده هندوستان، ارسال دوپست قایق را درخواست نمود.

در ادامه نادر برای مسلح کردن کشتی‌ها دستور داد یک کارخانه توپ‌ریزی در بندرعباس دایر کنند. پس از این دو توپ برنجی نیز ساخته شد تا داشته‌های نظامی ایران کامل‌تر شود.

در آن دوران پایگاه اصلی نیروی دریایی ایران، بندر بوشهر بود. بنابراین به‌دستور نادر قلعه‌قدیمی پرتغالی‌ها مرمت‌وساختمان‌های دیگری نیز به آن افزوده. همین اقدامات سبب شد تا این بندر تا مدت‌ها «بندرنادری» خوانده شود.

در سال ۱۱۵۵ هجری قمری (۱۱۲۰ خورشیدی) ناوگان دریایی نادرشاه در اوج قدرت خود بود.

به گزارش انگلیسی‌ها، نیروی دریایی خلیج فارس در این سال (یعنی دو سال پیش از قتل نادرشاه)، شامل سی فروند ناو بزرگ از نوع «بریگانتین»، «غراب» و تعداد زیادی ناوهای کوچک از نوع «ترانکی» بوده است.

نادرشاه علاوه بر کشتی‌های ساخت سورت به کشتی‌سازان بندر کنگ که از قدیمی‌ترین کشتی‌سازان ایرانی بودند و کشتی‌های ساخت آن‌ها تا سواحل چین و آفریقا و حتی مدیترانه می‌رفت، دستور داد تا کشتی‌هایی جنگی برای نیروی دریایی ایران در خلیج فارس بسازند. اهمیت و توجه نادر به ایجاد نیروی دریایی، در آینده و در جریان عملیات‌های نیروی دریایی اش در خلیج فارس جلوه‌گر شد و در شش عملیاتی که در این منطقه انجام داد، پیروزی‌های خوبی به دست آورد.

- تشکیل ناوگان در دریای خزر



پس از جنوب کشور، نادر دامنه تشکیل نیروی دریایی را تا شمال گشاند. روایت است که در پی حضور طولانی‌مدت روس‌ها در این منطقه و ادعاها و طمع‌ورزی‌هایی که داشتند، موقعیت کوهستانی مناطق غربی خزر، لزوم حمایت لجستیکی از قوای زمینی در جنگ‌های آینده و همچنین خارج کردن تجارت دریایی از انحصار کشتی‌های روسی، نادر را به فکر تأسیس ناوگانی در دریای خزر همانند ناوگان جنوب کشور انداخت اما روس‌ها که با توان‌یابی ایرانیان در دریای خزر مخالف بودند و حضور ایران در این دریا را مغایر اهداف خود در منطقه می‌دیدند، با نگرانی اقدامات نادر را زیر نظر داشتند و درخواست‌های مساعدت او در این زمینه را بی‌جواب گذاشتند. در همین زمان بود که یک تاجر و کشتی‌ساز انگلیسی به نام «جان التون» که به‌بار تجاری خود به رشت آمده بود مورد توجه نادر قرار گرفت تا با استفاده از تجربه او رؤیای خود در دریای خزر را به واقعیت نزدیک کند.

کاپیتان جان التون بازرگان، دریانورد و کشتی‌ساز انگلیسی بود که مدت‌ها در روسیه حضور داشت و با مناطقی در ترکستان تجارت می‌کرد. او هنگام بازگشت از ایران (۱۷۴۲ میلادی-۱۱۲۰ خورشیدی) در غازان روسیه دو فروند کشتی ساخت و مال التجاره خود را به این وسیله به گیلان آورد. نادر که از مدتی پیش در اندیشه تشکیل ناوگانی در دریای خزر بود از ماجرا آگاه شد و تصمیم گرفت که او را برای ساخت کشتی در منطقه استخدام کند.

التون پیشنهاد نادر را پذیرفت و اسلام آورد، نامش را به «جمال بیگ» تغییر داد و با گرفتن حکم دریابگی (دریاسالاری) از نادر با جدیت مشغول کار شد. وی دو کارگاه در نزدیکی دریا بنا کرد. یکی در چمخاله لنگرود و دیگری در مشهدسر (بابلسر) که با کمک چند روسی و هندی و کارگران محلی مشغول ساخت کشتی شد و به این صورت ارتش دریایی خزر نیز پا گرفت.

منبع: کتاب **نیروی دریایی ایران در زمان نادرشاه**، از لورنس اوکهارت، مقاله، **نیروی دریایی تجاری-نظامی ایران در خلیج فارس در عصر نادرشاه**، از هومان محمدی شرف‌آبادی و **خدیجه یدالهی و مقاله، نادر و اندیشه تشکیل ناوگان دریایی در دریای خزر**، از مجید علیپور شیر جو پشت، محمد حسین علیزاده و مسعودخاتمی

شماره ۱۵

شماره ۱۵۰۰
۱۳۹۱
۱۳۹۱
۱۳۹۱
۱۳۹۱

شماره ۱۵۰۰
۱۳۹۱
۱۳۹۱
۱۳۹۱
۱۳۹۱



تاریخ و هویت

کوچه گردی

چهارسوق نوغان، یتیم‌بچه جدا افتاده از مادر

گذری بر تاریخ قدیمی‌ترین محله ایران که عمرش بیش از مشهد امروز است (قسمت سوم)



تصویر از تخریب محله نوغان دهه ۶۰ قرن ۲۰ خورشیدی

در این محدوده ضروری هم تلقی می‌شود. این مغازه‌ها که یکی از آن‌ها در حاشیه‌کوچه و بقیه در آخرین کوچه این راسته، یعنی آصفی ۵ قرار دارند، به شغل «کبوتر فروشی» اختصاص پیدا کرده‌اند. این کبوتران در واقع همان کبوترانی هستند که مشهدی‌های قدیم در صحن عتیق یا انقلاب هنگام دان خوردن می‌دیدند. به عبارت بهتر این مغازه‌ها با ریشه در یک نذر کهن پا گرفته‌اند و آن نذر کبوتر است. در توضیح این سطر باید بگوییم، در قدیم زائران بسیاری وقت ورود به مشهد یا مجاورانی که حاجتی داشتند پس از گرفتن حاجت، کبوترانی را در صحن حرم به‌پرواز درمی‌آوردند که جلد آسمان ملائک پاسبان حضرت‌رضا^ع می‌شدند. این یعنی کبوترفروش‌های این محدوده به زائرانی که نذر اهدای کبوتر به حرم مطهر رضوی دارند، کبوتر می‌فروشتند. نذری که امروزه اگرچه کم‌رنگ شده اما به همت این مغازه‌داران همچنان زنده است و حیات دارد.

- کهن کتاب فروشی منطقه



آخرین جلوه در خور توجه کهن این راسته کوچه کتاب‌فروشی آقای قاسمی است. این کتاب‌فروشی براساس ادعای مالک کنونی یا یعنی آقای قاسمی از همان سال‌های نخست پس از اخراج وراقان و کتاب‌فروشان از حرم مطهر رضوی یعنی سال‌های ابتدایی سده گذشته از سوی پدر او در این مکان احداث شده و هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. به عبارت بهتر کتاب‌فروشی قاسمی اگر نگوییم قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی فعال کنونی مشهد است به‌طور قطع یکی از سه کتاب‌فروشی کهن شهر است. البته وضعیت کنونی این کتاب‌فروشی به‌نحوی است که تنها باید برای خرید کتاب‌های به نسبت قدیمی و آن هم اغلب مذهبی بدان مراجعه‌کرد و اگر کسی به دنبال خرید کتاب‌های روز است، مراجعه به کتاب‌فروشی قاسمی برایش سودی جز دیدن کتاب‌های قدیمی ندارد.

- ره‌باغی به نام حضرت زهرا^ع



پایان بخش این مسیر اکنون ره باغ موسوم به حضرت زهرا^ع است. به عبارت بهتر در جریان تغییر و تحولات رخ داده در اطراف حرم مطهر رضوی در سال‌های اخیر هم ابتدا و هم انتهای این راسته کوچه با تغییرات بسیار روبه‌رو شده‌اند. در ابتدای کوچه همان گونه که پیش‌تر گفتیم مجموعه «شرق‌زیست» ایجاد شده و انتهای آن هم بر خلاف دوران گذشته که تا محدوده پایین‌خیابان می‌رسیده، به ره باغ حضرت زهرا^ع

ختم‌شده‌که جای بسیاری از بناهای قدیمی این راسته از جمله تعدادی کاروان‌سرا را گرفته است.



زندگی اجتماعی مردم یا حتی قبل از آغاز استفاده از انرژی اسب بخار برمی‌گرداند. این مغازه محل عرضه انواع و اقسام وسایل مورد احتیاج اسب مانند زین، دهنه، مهمیز و نعل و زنگ و البته وسایلی چون انواع منقل و وسایل گرمایشی قدیمی است. زنجیر، طبل، سنخ و پرچم و سایر وسایل عزاداری هم در این مغازه به وفور وجود دارد.

- گرماه‌ای ممتاز در گذشته و حال



دیدنی دیگر این راسته که شما را نه تنها به تماشا بلکه حضوری چند ساعته در آن دعوت می‌کند، مجموعه «حمام ممتاز» است. این حمام که اندکی بعد از خود چهارسوق نوغان که پیش‌تر آن را معرفی کردم و در بخش موسوم به کوچه سیابان این راسته قرار گرفته، قطع به یقین یکی از معدود حمام‌های عمومی کنونی شهر است که هم‌زمان هم فضای نمره و هم عمومی‌آن فعال است. حمام ممتاز که عمرش به دوران حمام‌های خزینه‌ای می‌رسد و از آن زمان تاکنون پذیرای زائران و مجاوران بسیاری بوده از یک امتیاز دیگر هم برخوردار است و آن داشتن دلاک است. چیزی که در روزگار امروزی نایاب است و حکم گوهر شب چراغ را دارد.

- مسجدی برای رفع مشکلات



مسجد امام علی النقی ^(ع) که در تابلواسم آن کنار نام این امام همام عنوان «مشگل گشا» هم ثبت شده، دیگر بنایی است که هنگام عبور از این گذر دقایقی را به آن اختصاص دادن خالی از لطف نیست. به گفته اهالی محل این مسجد کوچک بدان دلیل مشکل‌گشالقب گرفته‌که تاکنون هیچ‌کدام از افرادی که آن را می‌شناسند، پس از حضور در مسجد و خواندن نماز حاجت‌دست خالی برنگشته‌و در اندک زمانی گرهی که در کار و زندگی آن‌ها افتاده بوده، باز شده و چرخه زندگی‌شان به روال معمول افتاده است.

- مغازه‌هایی در خدمت حرم مطهر رضوی



مغازه‌های انتهایی این کوچه میزبان یکی از مشاغلی است که در نگاه نخست وجود آن در این فاصله از حرم مطهر رضوی کمی بعید و حتی غیرقابل قبول می‌باشد اما با توضیحات ارائه شده از سوی فعالان در این صنف نتیجه برعکس شده و حتی وجودشان



- کتابیه‌ای تاریخی، قربانی نیازهای امروزی



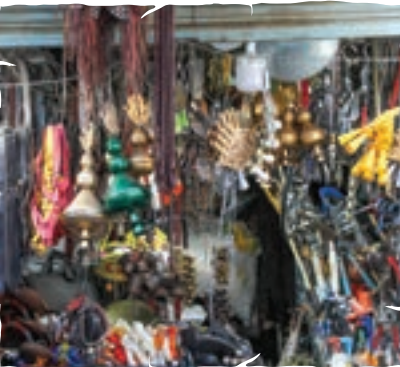
اما از نام و گذشته این کوچه که بگذریم و بخواهیم شما را با آنچه اکنون هست آشنا کنیم، باید در نخستین گام به مجموعه تجاری چند طبقه احداث شده در ابتدای این کوچه بپردازیم. این مجموعه که «شرق زیست» نام دارد را اغلب آگاهان در ارتباط به طرح نوسازی و بازسازی اطراف حرم مطهر رضوی می‌دانند. روبه‌روی مجموعه «شرق زیست» و در طرف دیگر کوچه با اندکی تأمل و دقت با یکی دیگر از جلوه‌های تخریب یافت کهن و تاریخی مشهد روبه‌رو می‌شویم. در بین مغازه‌های ششم و هفتم این بخش یک کتیبه کهن سنگی وجود دارد که کسبه برای نصب سیابان مغازه‌های خود به آن آسیبی قابل توجه زده‌اند. این کتیبه که در اصل سند وقف مغازه‌های مجاور است، خود دلیلی بر دیرینه بودن این بخش از کوچه است. آن هم با عمری حدود دو قرن. به عبارت بهتر این کتیبه سنگی تاریخی با اینکه سندی بر تاریخی بودن مغازه‌های مجاور آن است اما قربانی نیازهای امروزی موجود در این بخش از کوچه چهارسوق نوغان شده است.

- مسجد «خمسه طویه نوغان»



اندکی پس از این راسته مغازه، مسجد «خمسه طویه‌نوغان» چشم‌نوازی می‌کند. این مسجد هرچند از لحاظ ظاهر و بنا حدس و گمان‌ها را به حدود پینجاه سال قبل می‌برد اما به گواه قدیمی‌های این محدوده عمری بسیار بیش از این دارد. البته «هیئت خمسه طویه نوغان» هم با قدمتی صدساله دلیلی دیگر بر عمر کهن این مجموعه است. هیئتی که هر ساله در روزهای عزای حسینی یکی از پرشورترین بازار رفتن‌ها در بین هیئت‌های مشهد را به خود اختصاص داده است.

- مغازه‌ای به یادگار مانده از دوران نوغان کهن



یکی دیگر از دیدنی‌های چهارسوق نوغان مغازه مجاور مسجد «خمسه طویه» است. تنها یک نگاه به اجناس این مغازه انسان را به دوران قبل از تسلط ماشین بر

نوغان

رضا سلیمان نوری / خراسان پژوه

ما ایرانی‌ها ضرب‌المثل مشهوری داریم با این مضمون: «کار را که کرد، آنکه تمام‌کرد» شما که شروع به باز‌معرفی راسته‌کوچه نوغان کرده‌اید چرا چیزی از بخش جدا شده آن در جریان احداث فلکه طبرسی ننوشتید؟ مگر این طفل جدا مانده از مادر بخشی از نوغان نیست». جملات بالا بخشی از مکالمه یکی از دوستان با من بعد از خواندن متن معرفی راسته کوچه نوغان در دو شماره اخیر صفحه دوشنبه‌های تاریخ وهویت روزنامه بود. همین‌گفت‌وگو البته بخش دیگری هم داشت که در پایان نوشتار بدان می‌پردازم
عاملی شد تا روایت نوغان را در دو شماره به پایان نرسانیم و در این شماره هم از نوغان بگوییم. البته این بار درباره آن بخش از نوغان خواهیم گفت که به روایت این دوست عزیز چون طفل جدا مانده از مادر است و اکنون دیگر تنها در ذهن قدیمی‌های مشهد است اگر نه برای آن‌هایی که برای نخستین بار وارد آن می‌شوند، «اصفی» یا «طبرسی ۱۱» است و برای کسبه بعد از «چهارسوق» هم «کوچه سیابان». این نام‌های متعدد هم هرکدام داستانی دارد که در ادامه ابتدا شما را با دلایل آن و سپس دیدنی‌های این کوچه آشنا می‌کنیم.

- داستان جدایی این بخش از نوغان چیست؟



اگر مطالب قبلی این صفحه درباره گذشته نوغان را مطالعه کرده باشید با نحوه جدایی محدوده چهارسوق نوغان از راسته نوغان در ابتدای قرن ۱۴ هجری یعنی حدود ۹۵ سال پیش آشنا هستید. اما برای یادآوری مجدد این امر و البته آن‌هایی که بعد از این نوشتار همراه ما شده‌اند، باید این گونه‌روایت کنم که یکی از نخستین خیابان‌های ایجاد شده در مشهد در ابتدای قرن گذشته خورشیدی، خیابان طبرسی است. برای ایجاد این خیابان که قرار بوده حرم مطهر را به محدوده‌ای که در آینده مخازن سوخت شهر در آن ایجاد می‌شود، مرتبط‌کننده تنها قبرستان قدیمی قتلگاه یا همان باغ رضوان کنونی دوباره شد که کهن محله نوغان را هم به دو قسمت تقسیم کرد. آنچه قتلگاه را دو نیم‌کرد خود خیابان طبرسی بود اما عامل دو تکه شدن نوغان گل کاری طبرسی آن زمان و میدان طبرسی کنونی است.

پس از این تقسیم هر کدام از دو بخش نوغان سرگذشت خاص خود را پیدا کردند. راسته نوغان در سال‌های بعد ضمن حفظ هویت خود تا اندازه بسیاری از محله بالاخیابان تأثیر پذیرفت، به‌نحوی که محلات حاشیه‌ای آن چون ته‌پل محله، حمام باغ و شهر دال به‌مرور زمان از مناطق اصلی سکونت‌کارکنان دولت و آستان قدس شدند اما سرنوشت بخش جدا افتاده از مادر این گونه بود که این محدوده کم‌کم و به مرور زمان تحت تأثیر تغییر فضای محله پایین خیابان از محله تاجرنشین شهر به محل سکونت اقشار به نسبت آسیب‌پذیرتر قرار گرفت. این تأثیرپذیری به دلیل مجاورت کوچه سیابان که به‌نوعی ادامه مسیر نوغان به سمت پایین خیابان بود، بسیار بیشتر شد تا جایی که در سال‌های نیمه دوم قرن ۱۴ خورشیدی فاصله فرهنگی ساکنان این دو بخش نوغان به‌شدت افزایش پیدا کرد و هرکدام از این منظر به‌شدت به محلات مجاور خود یعنی بالاخیابان و پایین خیابان شبیه شدند.

- چرایی چندنامی

پیش‌تر به این موضوع اشاره کردم که این بخش از نوغان اکنون یک هویت اسمی چندگانه دارد و هم‌زمان هم «چهارسوق نوغان»، هم «سیابان»، هم «اصفی» و حتی «طبرسی ۱۱» خوانده می‌شود. هر کدام از این نام‌گذاری‌ها البته فلسفه‌ای دارد. نام «طبرسی ۱۱» تنها به این دلیل که ششمین کوچه سمت راست خیابان طبرسی است از طریق شهرداری نصیب کوچه مدنظر شده است. درباره نام قدیمی «چهارسوق نوغان» هم باید بر این امر تأکید کرد که سوق به معنی بازار است و درباره نام «سیابان» باید گفت که به روایتی سکونت برخی از افراد غیر بومی دارای پوست تیره چون غیرشمارها در بخشی از این کوچه دلیل این نام است البته که برخی روایت‌های دیگری را هم مطرح کرده‌اند که جاری شدن بخشی از آب کثیف خارج شده از صحن عتیق حرم رضوی در جوی میانه آن که به رنگ سیاهی می‌زده، یکی از این روایات‌هاست. درباره چرایی «اصفی» نامیده شدن هم که در ذیل تابلونصب شده از سوی شهرداری در ابتدای این کوچه وزیر طبرسی ۱۱ قید شده هیچ کدام از اهالی کوچه اطلاع دقیقی نداشتند و البته در اسناد مکتوب مرتبط با نام‌گذاری کوچه‌ها و خیابان‌های شهر هم به‌درستی دلیل این نام‌گذاری شفاف نشده است و حتی مشخص نیست که آیا زمانی فردی با این عنوان در این کوچه سکونت داشته یا نام شهیدی از اهالی این کوچه یا شهر بوده است یا اینکه حداقل نام کوچک این فرد چیست؟